

بررسی تأثیر سبک ادبی خطب نهج البلاغه بر رسائل و خطب صابی و ابن نباته

ابراهیم فلاح*

چکیده

سبک‌شناسی، یکی از جدیدترین و دقیق‌ترین مکاتب نقد ادبی است که در سده ی اخیر، ادیبان و سخنوران توجه ویژه‌ای به آن نشان دادند. سبک‌شناسی ادبی برای شناخت نکات ظریف ادبی، با هدف تحلیل رابطه فرم و محتوای متن و شناسایی کیفیت زیبایی‌شناسیک آن انجام می‌شود. خطبه‌های نهج البلاغه از جمله متونی است که در قالب بهترین الفاظ و به صورتی هنرمندانه بیان شده است، که توجه‌ی بسیاری از ادیبان و نویسندگان از جمله صابی و ابن نباته را به خود جلب نموده است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی درصدد است که تأثیر سبک ادبی خطب نهج البلاغه را در خطبه‌های این دو نویسنده نشان دهد. نتایج حاصل از این پژوهش این است که صابی و ابن نباته به لحاظ سبک ادبی از نهج البلاغه تأثیر پذیرفته‌اند و بیشترین تأثیرپذیریشان در گزینش واژگان و تصویرسازی مفاهیم ذهنی به امور حسی و نظم بیانی متن همچون تکرار، تقدیم و تأخیرها و برگزیدن کلام آهنگین بوده است.

کلیدواژه‌ها: نهج البلاغه، صابی، سبک ادبی، ابن نباته، تصویرسازی.

* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری، ساری، ایران،
Ebrahim.fallah@iausari.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۰۳

۱. مقدمه

دانش سبک شناسی، امروزه از جمله علوم است که بستری فراهم می‌سازد تا بتوان با تکیه بر خصائل زبانی اثر و توانایی و قدرت ادبی نگارنده‌ی آن، میزان تأثیرگذاری وی بر مخاطب را مورد ارزیابی قرار داد. و از موضوعاتی که در حوزه‌ی ادبی، به عنوان ابزاری برای سنجش ارزش آثار ادبی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، سبک ادبی است که روش یا شیوه‌ی خاصی از بیان افکار است که ادیب یا گوینده با استفاده از انتخاب کلمات و الفاظ و تعبیر خاصی به انتقال اندیشه‌های خود در مورد واقعیت‌ها می‌پردازد. «سبک شناسی ادبی، غالباً تحلیل سبک با هدف تحلیل رابطه‌ی فرم و محتوای متن و شناسایی کیفیات زیبایی شناسیک آن انجام می‌شود» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۹۵).

خطبه‌های نهج البلاغه از جمله متون دینی است که به خاطر استفاده از تشبیه، استعاره، مجاز، سجع و وجود صناعت‌های لفظی و معنوی و بیان مفاهیم به صورت فصیح و بلیغ، شایستگی بررسی و تجزیه و تحلیل سبک شناسی ادبی را دارد. صابی و ابن نباته از جمله نویسندگانی بودند که از نهج البلاغه تأثیر پذیرفته‌اند. ابن نباته درباره نهج البلاغه و تأثیر از آن تصریح می‌نماید: «از خطابه‌ها گنجی از بر کردم که هرچه از آن بردارم نمی‌کاهد و افسون می‌شود، و بیشتر از آن چه بر کردم یکصد فصل از موعظه‌های علی ابن ابی طالب (ع) است.» (ابن ابی الحدید، ۱۴۱۵: ۸/۱) از آنجایی که سبک ادبی علی (ع)، در نهج البلاغه بر نویسندگان و ادیبان تأثیرگذار بوده است؛ این پژوهش بر آن است که تأثیر سبک ادبی خطب نهج البلاغه را بر رسائل و خطب صابی و ابن نباته نشان دهد.

۱.۱ بیان مسئله

نهج البلاغه مجموعه‌ای است از اساسی‌ترین مباحث و معارف اسلامی که دارای سبک ادبی بی‌نظیر است. مطالعه‌ی خطب نهج البلاغه از یک سو و مطالعه‌ی خطب ابن نباته در دیوان وی از سوی دیگر این موضوع را در ذهن متبلور می‌کند که صابی در رسائل خودش و ابن نباته در نگارش دیوان خطبش به خطبه‌ها و سخنان ماندگار علی (ع) نیز نظر داشته‌اند و از آن سخنان بهره برده‌اند، علاوه بر این، ابن نباته به امام علی (ع) ارادت خاصی داشته، تا جایی که خطبه‌های زیادی از نهج البلاغه را حفظ کرده است. (ابن ابی الحدید، ۱۴۱۵: ۲۴/۱) بنابراین آگاهی از این موضوع که آیا دیوان ابن نباته و رسائل صابی تحت

تأثیر سخنان امام علی (ع) بوده است یا نه، و این تأثیر بر اساس کدامیک از معیارهای سبک ادبی بوده است، ذهن هر پژوهشگری را به خود مشغول می‌کند. در این پژوهش سعی بر آن است تا احتمال تأثیرپذیری صابی در رسائلش و ابن نباته در دیوان خطبش از خطب علی (ع) را بر اساس معیارهای سبک ادبی مورد بررسی قرار دهد، تا در نهایت از رهگذر این پژوهش به سؤالات ذیل پاسخ داده شود:

۱- تأثیر سبک ادبی خطب نهج البلاغه بر رسائل صابی و خطب ابن نباته چیست؟

۲- ابن نباته و صابی از کدام سبک ادبی نهج البلاغه استفاده نموده‌اند؟

از این رو، در پاسخ به سوال‌های فوق به ترتیب فرضیه‌های زیر مطرح می‌شود:

تأثیر سبک ادبی نهج البلاغه در رسائل و خطب صابی و ابن نباته از حیث گزینش واژگان با ساختار جملات آهنگ و ریتم کلام، تصویرسازی مفاهیم ذهنی به امورحسی و اسلوب منسجم مشهود است.

متن جملات رسائل و خطب صابی و ابن نباته به اقتضای بافت و هدف گفتگو از چهار معیار سبک ادبی نهج البلاغه بهره گرفته است.

۲.۱ پیشینه پژوهش

در زمینه تأثیر سبک ادبی نهج البلاغه بر بیانات صابی و ابن نباته، با بررسی‌های نگارنده نشان می‌دهد که تاکنون مطالعات چندانی با رویکردی یکسان با آنچه که در این پژوهش مورد نظر است، صورت نگرفته و عمده‌ی مطالعات زبان‌شناختی بنا به اهتمام پدیدآورندگانشان به جنبه‌ی خاصی از این کتاب گرانسنگ اختصاص دارد. از آن جمله می‌توان به کتاب و مقالات ذیل اشاره نمود:

۱- کتاب «تجلی نهج البلاغه بر ادبیات عرب»: توسط محمد هادی امینی (۱۳۹۲) به رشته‌ی تحریر درآمد. در بخش اول به شرح مختصری از ارزش ادبی و بلاغی نهج البلاغه و سخنان بزرگان ادب عرب پرداخته شد. و در بخش دوم تأثیر نهج البلاغه در ادبیات با ذکر شواهد مثالی، مورد بررسی قرار گرفت.

۲- «سبک‌شناسی خطبه‌ی اشباح نهج البلاغه»: (علی نظری، کبری خسروی، زهرا ابراهیمی، ۱۳۹۳) این نوشتار به ویژگی‌های سبک امام علی (ع) مانند تناص قرآنی، تساوی

فاصله‌ها، در پیش گرفتن شیوه استدلال و اقناع، استفاده از عناصر بلاغی و استفاده از کلمات آهنگین را مورد بررسی قرار داد.

۳- «تأثیرپذیری ناصیف یازجی از قرآن و حکمت‌های روایی»: (خیریه عچرش، کوکب بازیار، ۱۳۹۰) نویسندگان در این مقاله به بررسی تأثیر قرآن و حکمت‌های روایی بر روی اشعار ناصیف یازجی پرداخته‌اند و به این نتیجه دست یافتند که قرآن و نهج البلاغه، از جهات مختلف در زندگی فردی و اجتماعی ناصیف یازجی تأثیر آشکار و پنهان نهاده است.

۴- (سبک‌شناسی ادبی نکوهش‌های امام علی (ع) در نهج البلاغه): (حسین کیانی، منیژه زارع، ۱۳۹۴) در این مقاله نویسندگان به بررسی سبک‌شناسی ادبی بیانات امام علی (ع) درباره‌ی نکوهش پرداخته‌اند و به این نتایج دست یافته‌اند که پنج شاخص سبک‌شناسی در بیانات امام علی (ع) مشهود است.

در مقالات یاد شده به بررسی و تحلیل سبک‌شناسی خطبه‌های نهج البلاغه و تجلی نهج البلاغه بر ادبیات عرب اشاره شده است، بنابراین آثار فوق‌گویی این مطالب است که تاکنون پژوهشی درباره تأثیر سبک ادبی خطب نهج البلاغه بر رسائل صابی و خطب ابن نباته نگاشته نشده است.

۳.۱ چارچوب نظری

از موضوعاتی که در حوزه‌ی ادبی، به عنوان ابزاری برای سنجش آثار ادبی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، تبیین و بررسی ویژگی‌ها و صفات سبکی و به دیگر سخن سبک‌شناسی است. سبک‌شناسی روشی خاص در بررسی متون است که موجب تمیز و برجسته‌سازی ادیب می‌شود. «سبک ادبی، سبکی است که در برابر سبک علمی، تاریخی و به طور کلی سبک گفتار عادی قرار دارد» (انوشه، ۱۳۷۵: ۴۶۰) در کتاب‌های سبک‌شناسی گوناگون، معیارهایی برای بررسی سبک‌شناسی یک اثر ادبی ارائه شده است. قلمرو پژوهش حاضر بر اساس مسأله مطرح در سبک‌شناسی (گزینش واژگان، نظم، آهنگ، گسترش و تصویر) است. که به اختصار به توضیح چهار معیار سبک‌شناسی پرداخته خواهد شد.

۱.۳.۱ گزینش واژگان

نخستین گونه اثرپذیری، اثرپذیری واژگانی است. در این فرایند، شاعر و نویسنده در شعر و اثر خود از واژه‌هایی که اصالتاً قرآنی و حدیثی هستند، استفاده می‌کنند؛ بنابراین اثرپذیری واژگانی یعنی بهره گرفتن از واژه‌هایی که در زبان و ادب ما بکار رفته‌اند و در اصل ریشه‌ی قرآنی و حدیثی دارند.

بسیاری سبک را هنر واژه‌گزینی می‌دانند و در کار شناخت سبک‌ها بیش از هر چیز چشم بر واژگان دوخته‌اند. البته نمود واژگانی سبک بیش‌تر از دیگر لایه‌های زبانی است؛ زیرا واژه هم شناسنامه‌دارتر از دیگر سازه‌های زبان است و هم چونان انسان، زنده و پویا است (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۴۹)

۲.۳.۱ نظم بیانی متن

یکی دیگر از معیارهای سبک‌شناسی، نظم بیانی متن است.

مطالبی هم چون تکرار، تقدیم و تأخیرها، ذکر و حذف و به‌طور کلی مباحثی که با چگونگی قرار گرفتن، چینش و کم و زیاد بودن اجزای یک جمله مرتبط است در حوزه‌ی نظم بیانی متن جای می‌گیرد (الکواز، ۱۳۸۶: ۲۷۳-۳۰۲)

تکرار یکی از ویژگی‌های سبکی نهج البلاغه است که گاهی در یک کلمه و گاهی در یک حرف، دیده می‌شود.

تکرار در حقیقت توجه به یک جهت مهم در عبارت است، یعنی آن چیزی که نویسنده بیش از سایر قسمت‌های عبارت به آن توجه دارد. این مسأله اولین قانون ساده‌ای است که در هر تکرار به ذهن متبادر می‌شود (الملائکه، ۲۰۰۷: ۲۷۶)

۳.۳.۱ آهنگ و ریتم کلام

آهنگ و ریتم یکی دیگر از معیارهای سبک‌شناسی است که اهمیت ویژه‌ای دارد، تا آن‌جا که دانشمندان آن را یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن می‌دانند. «شکوه و جمالی که نصیب قلب شنوندگان هنگام شنیدن قرآن می‌شود و عظمتی که هنگام تلاوت آن را فرا می‌گیرد از آهنگ است» (الکواز، ۱۳۸۶: ۳۰۴) نهج البلاغه نیز از آهنگ متمایز نسبت به دیگر متون برخوردار است. یکی از مباحث مورد توجه در سبک نهج البلاغه موسیقی حروف است.

۴.۳.۱ تصویرسازی

تصویرسازی در انتقال معانی به خواننده اهمیت بسزایی دارد. امام علی (ع) نیز از این روش در سطح بسیار وسیعی استفاده کرده است. این تصویرها در بیش تر مواقع مفاهیم ذهنی را در قالب امور حسی به تصویر می کشد، ضمن این که این تصویرها بیش تر در قالب تشبیه و یا استعاره بیان شده است. در این مجال ابتدا سعی می شود که واژه ی «سبک» به لحاظ واژگانی و اصطلاحی مورد بررسی قرار گیرد، سپس به بحث اصلی پرداخته خواهد شد.

۵.۳.۱ بازشناسی مفهوم سبک شناسی در بستر تعاریف لغوی

ابن منظور در لسان العرب می نویسد: سبک الذهب و الفضة و نحوه و السبیکه: القطعه المذویه منه» (ابن منظور، بی تا: ۶/ ۱۶۲): [سبک در لغت به معنای گداختن و ریختن زر و نقره و مانند آن است و پاره گداخته را سبیکه می گویند]. واژه سبک در زبان فارسی به معنی شیوه، روش و اسلوب می باشد. (دهخدا، ۱۳۴۲: ۸۳/ ۲۴۹). سبک در زبان عربی معادل کلمه اسلوب است که عبارت است از راه و روش و ... همچنین هنر و فن نیز استعمال می شود. (مصطفی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱ / ۴۴۱) گویا تطابق میان دو اصطلاح سبک و اسلوب به این ترتیب قابل بیان می باشد که همان طوری که ریخته گر، مواد را قالب می زند، نویسنده یا گوینده نیز، به وسیله سبک، معانی مورد نظر را در قالب خاصی ارائه می دهد. ادبای قرن اخیر سبک را مجازاً به معنی طرز خاصی از نظم و نثر استعمال کرده اند و تقریباً آن را معادل style اروپاییان نهاده اند. (شمیسا، ۱۳۷۲: ۱۴۷) واژه style برگرفته از کلمه (استیلوس) یونانی است. گفته می شود stilus در زبان یونانی به میله فلزی یا چوبی اطلاق شده که در زمان های قدیم به وسیله آن حروف و کلمات را بر روی لوح های مومی نقش می کردند. (بهار، ۱۳۴۹: ج ۱ مقدمه) با توجه به آن چه که گذشت می توان پی برد که سبک یا اسلوب به معنی قالب و شیوه است.

۶.۳.۱ بازشناسی سبک شناسی در بستر تعاریف اصطلاحی

سبک شناسی یکی از علوم نوپا و جدید در حوزه ی ادبیات است که موضوع آن بررسی مطالعه ی شیوه ی آثار ادبی می باشد. یکی از دشواری های علم سبک شناسی این است که در آغاز بسیار ساده و بدیهی می نماید در حالی که کمتر اصطلاحی را می توان یافت که از مفهوم سبک، ذهنی تر و مبهم تر باشد. (شمیسا، ۱۳۷۵: ۱۵) در ایران برای اولین بار

ملک الشعراى بهار در « سبک شناسی » خویش به بررسی سبک ادب فارسى پرداخته است . او در تعريف سبک بيان مى دارد : « سبک در اصطلاح ادبيات عبارت از روش خاص ادراک و بيان افکار به وسيله ی ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبير است . » (همان : ۱۵) بنابراین مى توان گفت ، دانشى که از مجموع جریان سبک هاى مختلف یک زبان بحث مى کند، سبک شناسى نامیده مى شود . احمد شایب درباره سبک شناسى بيان مى کند، مردم گاه، کلمه ی سبک را مى شنوند . و از آن عنصر لفظى که از کلمات و عبارات و جملات تشکیل مى شود مى فهمند ولى اين برداشت دقيقى نيست . چون نظام تصوير لفظى به نظام معنوى بر مى گردد که در جان نویسنده يا گوینده نظم یافته و سبک معنوى است . پس تصوير لفظى بر قالب آن شکل مى گیرد . اين يعنى سبک معانى منظم و مرتب است قبل از آن که واژگان و الفاظ منظم باشد . پس کلمه سبک با کلمه ی شخصیت مترادف معنایى دارد . (شایب، ۱۹۷۶ : ۶۸) بنابراین ایده هاى مختلفی در تجزیه و تحليل متن به لحاظ سبک شناسى مطرح است . بنابراین سبک روش یا شیوه خاصى از بيان افکار است که ادیب یا گوینده با استفاده از انتخاب کلمات و الفاظ و تعابير خاصى به انتقال اندیشه هاى خود در مورد واقعیت ها مى پردازد .

اکنون در این مجال به بررسی تأثیر سبک ادبی خطب نهج البلاغه بر رسائل و خطب صابى و ابن نباته پرداخته خواهد شد .

۲. تحليل تأثیر گذاری خطب نهج البلاغه بر رسائل صابى و خطب ابن نباته

۱.۲ رسائل ابواسحاق صابى

ابواسحاق صابى از بزرگان نویسندگان و از بليغان نثر عربى است . از او دو مجموعه در ترسل به دست ما رسیده است . تولد وی در آغاز قرن چهارم هجرى و مرگ او در سال ۳۸۰ بود . (فاخورى، ۱۳۶۳ : ۵۲۸) در رسائل صابى چنین آمده است :

لا تحده الصفات ، و لا تحوزه الجهات . و لا تحصره قراره مكان و لا يغيره مرور زمان و لا تمثله العيون بنواظرها و لا تتخيله القلوب بخواطرها . فاطر السموات و ما تظلم . و خالق الارض و ما تقل . الذى دل بلطف صنعته على جليل حكمته و بين بجى برهانه عن خفى وجدانه . و استغنى بالقدره عن الاعون و استعلى بالعزه عن الاقرآن . البعيد عن كل معادل و مظارع . الممتنع على كل مطاول و مقارع . الدائم الذى لا يزول و لا يحول . العادل الذى لا

یظلم و لا یجور . الکریم الذی لا یضنّ و لا ینخل . الحلیم الذی لا یعجل و لا یجهل . ذلکم الله ربکم فادعوه مخلصین له الدین . (مبارک ، ۱۳۵۲ : ۲ : ۲۹۶) :

صفت‌ها او را محدود نمی‌کند و جهت‌ها او را محصور نمی‌سازد . نه در مکان گنجد و نه گذشت زمان او را دگرگون نماید . نه مردمک دیده‌ها او را ببندد و نه دل‌ها با خیال خویش او را صورت‌تواند بنهد . آفریننده آسمان‌ها و آن‌چه آسمان‌ها بدان سایه افکنده و پدید آورنده زمین و آن‌چه زمین در بر گرفته است . آن‌که باریک‌کاری‌های هر عظمت حکمت‌اش را نشان می‌دهند و با برهان آشکارش هستی پنهان‌اش را هویدا می‌سازد . با قدرت از کمک کاران بی‌نیاز است و با عزت از همتا گرفتن برتر، از هرگونه همتا و هم‌آورد به دور است ، و از هر پنجه افکن نبرد جو مهجور ، پیوسته‌ای که از جای نمی‌گردد و دگرگون نمی‌شود . دادگستری که ستم روا نمی‌دارد و از راستی به یکسو نمی‌رود . بخشنده‌ای که بخل نمی‌ورزد . و بردباری که شتاب نمی‌گیرد و به نادانی نمی‌گراید . این خدای شماسست . او را از روی اخلاص بخوانید و دین را برای او پاک نگاه دارید .

صابی الفاظ خود را به دقت انتخاب می‌کند و عبارات خود را صیقل می‌دهد. ظرافت‌گزینش واژگان یکی از شاخص‌های بررسی سبک و اسلوب یک نویسنده می‌باشد . صابی، برای بیان تأکید بسیار بر معتقدات اساسی توحید، از حرف نفی «لا» در آغاز جملات استفاده نموده است . و بیان می‌دارد که هیچ مکانی خداوند را محدود نمی‌کند . چون ذات حق، صرف الوجود و فعلیت محض است . با توجه به این‌که حرف لا بر سر فعل‌های مضارع آمده، معنای آن را به نفی تبدیل می‌کند. حضرت (ع) در خطبه اول می‌فرماید : « ... الذی لیس لصفته حدٌ محدود » (نهج البلاغه / خ ۱) : پروردگاری که برای صفات او حد و مرزی وجود ندارد. [و یا در خطبه ۱۸۲ حضرت از واژه « یحد » استفاده نموده است . « و لا یحدُّ باین » (همان / ۱۸۲)] خداوند به مکان محدود نمی‌شود . [بنابراین در انتخاب واژه صابی از نهج البلاغه استفاده نموده است .

یکی دیگر از شاخص‌های سبک ادبی ، نظم بیانی متن است ، مفاهیمی که در نظم بیانی متن مورد سنجش قرار می‌گیرند، حول محور تکرارها، طولانی یا کوتاه بودن عبارت‌ها به مقتضای حال مخاطب می‌باشد . برای آشکار شدن موضوع به سخن علی (ع) اشاره ، سپس تأثیر این سبک ادبی در اثر صابی نشان داده می‌شود . حضرت در بیانات توحیدی می‌فرمایند: « لا یدرکُ بوهَمٍ و لا یقدَّرُ بفهمٍ ، ... و لا یحدُّ باین ، و لا یوصَفُ بالأزواج ، و لا یخلقُ بعلاج ، و لا یدرکُ بالحواس ، و لا یفأسُ بالناس » (نهج البلاغه / خ ۱۸۲) : [خداوند

به هیچ و همی درک نشود، و به هیچ فهمی اندازه گیری و تقدیر نشود، و به مکان محدود نمی شود و به جفت ها و همسر ها ، موصوف نمی گردد و با تمرین و تجربه نمی آفرینند، و با حواس درک نشود، و با مردم مقایسه نگردد]

چنانچه می دانیم از نظر نحوی، نیازی به تکرار حرف « لا » در جملات فوق وجود ندارد . معنای نفی « لا » به وسیله حرف عطف « واو » منتقل می شود؛ اما شاهد هستیم که حضرت ، حرف « لا » را تکرار فرمودند ، که این تکرار دلالت بر تاکید بسیار زیاد می باشد. تکرار از معیارهای سبک در آهنگ و ریتم کلام است که اگر با توجه به مقتضیات بافت سخن صورت گیرد جزء سبک نویسنده قرار می گیرد. کثره التکرار نوعی فراهنجاری است که می تواند مخل فصاحت باشد، اما اگر در دل خود معانی ظریف و پنهانی داشته باشد، در اوج هدفمندی است که امام علی (ع) این امر را مورد توجه قرار داده است.

تأثیر این سبک بیانی و ادبی در گفتار صابی مشاهده می شود . « لا تحده الصفات و لا تحوزه الجهات و لا تحصره قراره مکان و لا یغیره مرور زمان . و لا تمثله العیون بنواظرها و لا تتخیله القلوب بخواطرها ... » (مهریزی، ربّانی، ۱۳۸۰: ۵۷۵/۱)

طولانی بودن کلام و تکرار معنی واحد در الفاظ مختلف ، نوعی تاکید می باشد. که این امر به عنوان اطناب مفید یا غیر مخل شناخته شده است. حضرت نیز به مقتضای حال مخاطب، از اطناب غیر مخل برای انتقال بار تاکید و التذادی به معنای خاص بهره گرفته است؛ یعنی گاه معنای مورد نظر چنان مهم بوده و شنیدن آن توسط مخاطب، ارزشمند می باشد که حضرت (ع) کلام را با اطناب و به صورت طولانی ، بیان می فرمایند . تا مخاطب از شنیدن و در نتیجه درک این مفاهیم بیشترین التذاد و بهره فکری را داشته باشد . نمونه این اطناب غیر مخل در توصیف اسماء الهی در توصیف علم خداوند ذکر شده است : « علمه بالاموات الماضین کعلمه بالأحیاء الباقین و علمه بما فی السموات العلی کعلمه بما فی الأرضین السفلی » (نهج البلاغه/خ ۱۶۳) با اندکی تدبّر در بیانات علی (ع) می توان پی برد که حضرت برای شرح معنای لفظ (علم) که از صفات الهی است از اطناب غیر مخل (مفید) استفاده کرده است . این نوع اطناب از یک سو بیانگر تاکید معنایی بوده و از سویی دیگر تبرک و تلذذ گوینده و شنونده برای بیان و دریافت این مفاهیم والا را می رساند . صابی هم در رساله خود تحت تأثیر این سبک بیانی و ادبی حضرت (ع) بوده است : « فاطر السموات و ما تظّل و خالق الارض و ما تقبل ... » (مهریزی، ربّانی، ۱۳۸۰: ۵۷۵/۱) در بیان فوق صابی برای شرح معنای (خلق) که از صفات الهی است از اطناب غیر مخل استفاده

کرده و در آن به آفرینش آسمان و آن چه در آسمان است و به آفرینش زمین و آن چه در زمین است، اشاره نموده است.

یکی دیگر از سبک ادبی و بیانی حضرت که در گفتار صابی تأثیر داشته، آهنگ و ریتم کلام است. یکی از روش‌های انتقال معنی در زبان عربی، استفاده از حروفی است که آهنگ خاصی به جمله می‌دهند. از سوی دیگر ریتم حروف تشکیل دهنده کلمه ویژگی هر یک از این حروف و آهنگ جملات چنان تأثیر مهمی در سیر معنایی جمله دارد که گفته می‌شود میان آهنگ کلام و معنی، رابطه کاملاً مساوی وجود دارد. (خالقیان، ۱۳۸۷ : ۹)

در بیانات حضرت (ع) آهنگ خاص حروف، کلمات و جملات برای انتقال کامل معنای مورد نظر آمده است: «يَعْلَمُ عَجِيجَ الْوَحُوشِ الْغَامِرَاتِ، وَ تَلَاطُمِ الْمَاءِ بِالرِّيَّاحِ الْعَاصِفَاتِ.» (نهج البلاغه / خ ۱۸۹). تکرار حرف «ت» در این جملات نیز نوعی استفاده از ویژگی معنایی این حرف برای قاطعیت کلام بوده و هست. ایجاد تناسب لفظ و محتوا، کشتی در رویارویی مخاطب با متن و تأثیر بر روح و جان مخاطب در زایش معانی جدید از درون ساختارها، نوآوری امام علی (ع) است. صابی در گفتار خود، با تأثیر پذیری از کلام علی (ع) چنین آورده است: «لا تحده الصفات، و لا تحوزه الجهات...» (مهریزی، ربّانی، ۱۳۸۰: ۱ / ۵۷۵) تکرار حرف «ت» در گفتار صابی در مورد صفات خداوند است که در جمله بیانگر قاطعیت کلام و نبود هرگونه شک و تردید در حکم کلی جمله می‌باشد. بنابراین پی در پی ذکر شدن حرف «ت» به واسطه ی تکیه بر ویژگی موسیقایی (نطعی بودن حروف و قاطعیت آن)، وسیله ای برای ادای معنایی و شدت قطعیت آن می‌باشد. آهنگ و ریتم کلام علی (ع)، از پی آوری زیبایی بهره مند است. پی آوری، نغمه و نوا و مایه و معنای سخن را خوش و دلپذیر می‌سازد. پی آوری یعنی از پی هم آوردن چند اسم، صفت، فعل، عبارت یا جمله. (نوروزی کرمانشاهی، ۱۳۸۸: ۵۷) به عنوان نمونه علی (ع) می‌فرماید: «فَإِنَّكُمْ لَوْ قَدْ عَايَنْتُمْ مَا قَدْ عَايَنَ مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ لَجَزَّ عِثْمٌ وَ وَهَلِثُمْ وَ سَمِعْتُمْ وَ أَطَعْتُمْ» (نهج البلاغه / خ ۲۰) این شیوه و سبک ادبی بیانات حضرت (ع) در گفتار صابی مشاهده می‌شود. آن جا که ذکر می‌کند: «فاطر السموات و ما تظلل و خالق الارض و ما تقفل... الدائم الذی لا یزول و لا یحول. العادل الذی لا یظلم و لا یجور...» (مهریزی، ربّانی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۵۷۵)

از پی آوردن فعل های « تظل، تقل، لا یزول، لا یحول، لا یظلم و لا یجور» آهنگ کلام صابی را زیبا و دلپذیر نموده است. این سبک ادبی تحت تأثیر مستقیم بیانات علی (ع) در نهج البلاغه است.

یکی دیگر از شیوه های بیانی و سبک ادبی حضرت (ع) در نهج البلاغه « واج آرایبی» است. واج آرایبی یعنی با تکرار چشم گیر یک واج (حرف و حرکت) یا چند واج هم گون و قریب المخرج، موسیقی سخن و نغمه و نوای آن را گوش نواز تر و دلنشین تر ساختن. (نوروزی کرمانشاهی، ۱۳۸۸: ۵۵) واج آرایبی سبک ادبی مخصوصی است که در جای جای نهج البلاغه به چشم می خورد. حضرت در خطبه ۹۰ می فرمایند: «الذی لم یزل قائماً دائماً اذ لا سماء ذات أبراج و لا حُجُب ذات ارتاج و لا لیل داج و لا بحر ساج و لا جبل ذو فجاج و لا فج ذو إعوجاج.» (نهج البلاغه / خ ۹۰۲) در این بیانات تکرار و بسامد حرف «ذ» (ز) و به ویژه حرف «ج» مشاهده می شود. همین سبک ادبی و بیانی در گفتار صابی به چشم می خورد. «... و استغنی بالقدره عن الاعوان السعلی بالعهز عن الاقرآن البعید عن کل معادل و مضارع. الممتنع علی کل مطاول و مقسارع ...» (مهریزی، ربانی، ۱۳۸۰: ۸۱ / ۵۷۵) در عبارات صابی بسامد حرف «ع» مشاهده می شود که موسیقی کلام را زیبا و دل نشین ساخته است. این سبک ادبی تحت تأثیر نهج البلاغه و بر گرفته از آن است

۲.۲ خطب ابن نباته

یکی دیگر از کسانی که تحت تأثیر سبک ادبی و بیانی نهج البلاغه قرار داشته، عبدالرحیم بن محمد بن اسماعیل بن نباته اهل میافارقین است. وی به سیف الدوله حمدان بستگی داشت. در سال ۳۳۵هـ متولد شد. در علوم ادبی سرآمد روزگارش بود. (ابن نباته، ۱۴۳۳: ۱۶) ذهبی درباره او می گوید: «ابن نباته دارای گفتاری فصیح و معانی بدیع و عبارات محکم و در خطبه سرایی بی نظیر بود.» (همان: ۱۶) ابن نباته در سال ۴۷۳ در میافارقین وفات یافت و در همانجا دفن شد. (ابن خلکان، ۱۹۷۲، ج ۳: ۱۵۷) ابن نباته درباره نهج البلاغه و تأثیر از آن تصریح می نماید: «از خطابه ها گنجی از بر کردم که هر چه از آن بردارم نمی کاهد و افزون می شود، و بیش تر از آن چه بر کردم یک صد فصل از موعظه های علی بن ابی طالب (ع) است.» (ابن ابی الحدید، ۱۴۱۵: ۸۱) این حقیقتی است که ابن نباته درباره تأثیر پذیری از سبک ادبی نهج البلاغه اعتراف کرده و آن چه که سبب شد، ابن نباته به سخنان علی (ع) توجه کند، زیبایی های لفظی و معنوی بیانات علوی است

همچنین ابن اثیر در کتاب «المثل السائر» برخی از خطبه‌هایی که به تأثیر از سبک ادبی نهج البلاغه می‌باشد را ذکر نموده است. از جمله خطبه‌های ابن نباته را آورده است. (ابن اثیر، ۱۹۶۲: ۱۳/۱). اکنون در این مجال به تأثیر سبک ادبی خطب نهج البلاغه بر خطب ابن نباته پرداخته خواهد شد.

در خطبه جهاد ابن نباته چنین آمده است: «... الا و انّ الجهاد کثر و قرّ الله منه أقسامکم، و حرزٌ طهرٌ به أجسامکم و عزٌّ أظهرَ اللهُ به اسلامکم...» (ابن نباته، ۱۴۳۳: ۳۰۰): [همانا جهاد گنجی است، خداوند سهم شما را از آن فراوان گردانید و دژی است که به وسیله آن بدن هایتان را پاک گردانید و عزتی است که خداوند به وسیله آن اسلام شما را آشکار کرد]

شیوه‌ی گزینش واژگان یکی از شاخص‌های بررسی سبک و اسلوب یک نویسنده می‌باشد. ابن نباته چون خطیب توانمندی بود، در گزینش واژگان سعی و دقت بسیاری می‌نمود و به تبعیت و پیروی از حضرت علی (ع) در خطبه‌ی جهاد که در این خطبه حضرت (ع) جهاد را به لباس تقوا و زره‌ی محکم الهی تشبیه می‌کند. «و هو لباسُ التقوی و درعُ اللهُ الحَصینهُ...» (خطبه/ ۲۷) ابن نباته هم واژه‌ی «کنز» را برای جهاد انتخاب می‌کند. «کنز» همان گنج در زبان فارسی است. یعنی مال و یا چیزی را ذخیره کردن. راغب می‌گوید: «الکنزُ جعلُ المالِ بعضه علی بعض...» (راغب اصفهانی، ۱۴۳۰: ۵۷۹): [گنج یعنی قرار دادن قسمتی از مال بر مال دیگر است]. و یا گفته شده «کنز» همان صحیفه دانش است. (همان: ۵۸۰) سعی و تلاش ابن نباته به تقلید از علی (ع) در خطبه‌ی جهاد این بوده که الفاظ هماهنگ با معنی انتخاب شود. ابن نباته در تشبیه جهاد و تصویر آن از واژه‌های دیگر مانند «حرز» و «عز» استفاده می‌کند. «حرز» به معنی قلعه، سنگر، بهره و نصیب آمده است. «حرز، الوعاء الحَصینُ یُحفظُ فیهِ الشیءُ» (مصطفی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱/۱۶۶): [حرز یعنی ظرف محکمی که چیزی در آن حفظ می‌شود]. واژه‌ی «عز» نیز به معنای عزت و شرافت، بزرگی، مجد و عزت آمده است. «عزاً: قوی و بریء من الذلّ؛ القوه و الغلبه» (همان، ۲/ ۵۹۸): [قوی شد و از ذلت براءت و دوری جست، و به معنای نیرو و غلبه نیز آمده است]. [این واژگان از واژه‌های اساسی در تبیین معنای جهاد است. ظرافت بیانی دیگری که ابن نباته به تقلید از علی (ع) در گفتارش استفاده نموده است این است که برای بیان تأکید بر جهاد از ادوات تأکید مانند «انّ» استفاده نموده است. «الأ و انّ الجهاد کثر و قرّ اللهُ منه أقسامکم...» هم چنین ابن نباته از «الأ» استفاحیه تنبیهیه استفاده نموده است که در حقیقت آگاهی دادن به شنونده است. دکتر امیل بدیع یعقوب در این باره گفته است:

«ألا استفتاحیه تنبیهیه : حرف مبنی علی السکون ، تفیدُ تنبیه السامع الی ما یلقى علیه، و تحقیق ما بعدها...» (یعقوب، ۱۳۸۶ : ۱۳۷) : [ألا استفتاحیه تنبیهیه ، حرف مبنی بر سکون است. برای آگاهی شنونده بر آن چه که به او القاء می شود و هم چنین تحقق ما بعد آن گفتار از آن استفاده می شود.]

اصل دوم سبک شناسی، بررسی « نظم بیانی متن» است. این اصل حول محور تکرار ها، طولانی یا کوتاه بودن عبارت ها به مقتضای حال مخاطب می باشد. امام علی (ع) با جمع بلاغت دوره ی جاهلی و بلاغت رسول اکرم (ص) سبک ویژه ای را پایه گذاری نمود که بر نویسندگان و ادیبان تأثیر گذاشت. از جمله وقتی از عبدالحمید کاتب پرسیدند: «چه چیزی تو را به این درجه از بلاغت رسانید و بر آن قادر ساخت، او جواب داد: حفظ سخنان علی (ع)» (ابن اثیر، ۱۹۶۲: ۱۳/۱) ابن نباته با پیروی از سبک بیانی علی (ع)؛ حول تکرار واژه ها این چنین سخن گفته است. « و اعلّموا أنّه لا یصلحُ الجهادُ بغير اجتهادٍ...» تکرار واژه جهاد از ریشه ی جَهَدَ بیانگر تاکید بوده و از سوی دیگر اشاره به اصل تبرک و تلذذ دارد؛ یعنی گوینده کلام گاهی، واژه ای را به علت تبرک جستن به آن و برای بیان التذاد و ارادت نسبت به کلمه، تکرار می کند. گفتنی است که بحث تلذذ، تبرک و تاکید تنها مختص به تکرار لفظی نمی باشد؛ بلکه گوینده می تواند به مقتضای حال مخاطب از اسالیب معنایی برای انتقال موارد فوق بهره بگیرد. برای نمونه گاهی طولانی بودن کلام و تکرار معنای واحد در الفاظ مختلف، نوعی تاکید بر موضوع تلذذ و تبرک می باشد، که این امر به عنوان اطناب مفید یا غیر مخمل شناخته شده است. ابن نباته نیز به پیروی و تقلید از امام علی (ع) به مقتضای حال مخاطب، از اطناب غیر مخمل برای انتقال بار تأکیدی و التذادی به معنای خاص بهره گرفته است؛ یعنی گاه معنای مورد نظر چنان مهم بوده و چنان بیان آن و در نتیجه شنیدن آن توسط مخاطب ارزشمند می باشد که ابن نباته کلام را با اطناب و به صورت طولانی، بیان می کند تا مخاطب از شنیدن و در نتیجه درک این مفاهیم بیشترین التذاد و بیشترین بهره فکری را داشته باشد. نمونه ی این اطناب غیر مخمل در توصیف جهاد توسط ایشان به چشم می خورد. برای نمونه می توان به گفتار ابن نباته درباره چگونگی جهاد و پیکار اشاره نمود. « و اعلّموا أنّه لا یصلحُ الجهادُ بغير اجتهادٍ، کما لا یصلحُ السّفَرُ بغير زاد، فقدّموا مجاهده القلوب، قبل مشاهده الحروب، و مغالبه الاهواء، قبل محاربه الأعداء، و بادروا بإصلاح السرائر،...» (ابن نباته، ۱۴۳۳ : ۳۰۰) با اندکی تدبّر در بیانات فوق می توان پی برد که ابن نباته برای توصیف و آماده سازی جهاد، از اطناب غیر

مخل (مفید) استفاده کرده و آن را به مانند سفری تشبیه کرده که بدون توشه امکان ندارد . همچنین بیان داشته که قبل از جهاد و پیکار با دشمنان ، با دشمن درونی (نفس) پیکار نمایید . و قبل از جنگ با دشمنان ، خودتان را اصلاح نمایید . این نوع اطناب از یک سو بیانگر تاکید معنایی بوده و از سوی دیگر تبرک و تلذذ گوینده و شنونده برای بیان و دریافت این مفاهیم والا را می رساند، بنابراین می توان پی برد که کلام ابن نباته از نظم خاصی در بیان برخوردار است، و این امر دلالت بر اهمیت و کیفیت معنای مورد نظر داشته است ، به این ترتیب ویژگی های نظم بیانی هم چون تکرار های عمدی یا طولانی با توجه به مقتضای حال، به طور کامل در سبک بیانات جهادی ابن نباته به تقلید از علی (ع) آشکار بوده است که نمونه هایی از آن ذکر شد .

اکنون به تأمل در ویژگی سوم شناخت سبک بیانات ایشان؛ یعنی ویژگی آهنگ و ریتم خاص پرداخته خواهد شد . در خطبه ی جهاد ابن نباته به پیروی از خطبه جهاد علی (ع) این ویژگی کاملاً ملحوظ می باشد؛ یعنی ابن نباته ، در این گفتار از آهنگ خاص حروف ، کلمات و جملات برای انتقال کامل معنای مورد نظر بهره گرفته اند که به برخی از این موارد اشاره می شود . از جمله بیانات ابن نباته کلام ذیل می باشد

... أخلدتم إلى الدّعه قبل أوان الأخلاد، و أعمدتم سيوفكم من مقارعه الأضداد ، و قعدتم عن الأخذ بنارالحرم و الأولاد، و سدّدتم فتحه الله لكم من ابواب الجهاد ، فراراً زعمتم من تحريض العدو على الاحتشاد ، و ما أراد ألاً اغتراراً بكمون ناره تحت الرماد ... (ابن نباته ، ۱۴۳۳ : ۳۰۷)

در آرامش و آسایش شما را جاودانه کردند قبل از دوران جاودانگی و شمشیرهایتان را در غلاف کردید قبل از رویارویی با دشمنان و عقب نشینی کردید از گرفتن آتش انتقام خانواده و فرزندان و آن چه را که خداوند از درهای جهاد برای شما گشود، بستید، بخاطر فراری که گمان کردید از تشویق دشمن به گرد هم آمدن و بسیج شدن، و اراده نکرد مگر به فریب خوردن به پنهان کردن آتش زیر خاکستر .

در گفتار فوق ابن نباته از حرف « دال » که از حروف نطعی بوده و بر قاطعیت کلام دلالت می کند، استفاده نموده است . (سلیمان ، ۱۹۹۱ : ۵۱) تکرار حرف « دال » در جمله بیانگر قاطعیت کلام و نبود هرگونه شک و تردید در حکم کلی جمله می باشد .

استفاده از این حروف نطعی برای تاکید بر حتمیت کلام ، مختص این جمله نبوده و در نمونه های دیگر از گفتار ابن نباته به چشم می خورد، چنان که در تشویق به جهاد به

پیروی و تقلید از امام علی (ع) تصریح می نماید: « فانفروا - رحمکم الله - جميعاً و ثبات و شئوا علی أعداکم الغارات، و تمسکوا بعصم الأقدام و معاقل الثبات، و أخلصوا فی جهاد عدوکم حقائق الثبات... » (ابن نباته، ۱۴۳۳: ۳۰۰) تکرار حرف «ت» در این جملات نیز نوعی استفاده از ویژگی معنایی این حرف برای قاطعیت کلام بوده و در اصل بیانگر این است که بی هیچ تردیدی باید جهاد و پیکار نمایید و راهکار جهاد و مبارزه بی امان علیه دشمنان را، خالص گردانیدن نیت ها، حمله و هجوم دسته جمعی و گروهی و چنگ زدن به ریسمان شجاعت و دژهای پایداری معرفی می نماید. (همان: ۵۸) ویژگی آهنگین دیگری که در گفتار ابن نباته به چشم می خورد، استفاده از حروف مدّ می باشد. با توجه به این که حرف مد با امتداد و صوت در هنگام تلفظ همراه است، و بر نوعی امتداد زمان نیز دلالت می کند. برای نمونه در بیانات ابن نباته چنین آمده است: « و من لم یستطع منکم سبیلاً إلی اللقاء، فاعتضوا من حیاه لآبدٍ من قتلها بالحیاه التی لا ریب فی بقائها... » (همان: ۳۰۰): [و هر کس از شما نتوانست راهی برای لقاء و دیدار پیدا کند، پس باید عوض کند، زندگی که چاره ای از پیوستن آن با زندگی که هیچ شکی در بقایش نیست.] هماهنگی میان کلمات با حرف مدّ در انتهای کلام، منجر به امتداد تلفظ و صوت هنگام قرائت شده و در نتیجه بر اساس اصل تطابق موسیقی و معنی که در ابتدای این بحث ذکر شد، بیانگر امتداد زمانی معنای مورد نظر می باشد، به این صورت که همیشه و در هر زمان و شرایطی، اگر مردم جهاد را ترک کنند، چاره ای ندارند که زندگی جاودانه را با زندگی گذرا عوض کنند و دچار ذلت و خواری گردند. بنابراین این جملات نشان می دهد که ابن نباته برای بیان مفاهیم والای جهاد و پیکار در راه خداوند، از خصوصیات آهنگی و موسیقایی حروف و کلمات نیز بهره گرفته و در واقع می توان نتیجه گرفت که موسیقی کلام در خدمت معنای والای جملات ابن نباته قرار گرفته است.

در بررسی سبک شناختی آثار و متون ادبی، یکی از ویژگی های بسیار مهم برای زبان شناسان، میزان و نحوه تصویر سازی گوینده کلام می باشد. بدین ترتیب که گوینده برای تقریب معنای مورد نظر به ذهن مخاطب خود، چگونه به تصویر سازی مفاهیم مورد نظر خود پرداخته و این مجموعه تصاویر برای درک معانی بهتر، چگونه بیان شده است. در این میان باید توجه کرد مساله تصویر سازی در گفتار ابن نباته به تقلید از سبک بیانی سلطان سخن علی (ع) به وضوح قابل مشاهده است؛ که این موضوع؛ یعنی پرورش مطلب به صورت تصویری ترکیبی، می تواند فاصله ی میان گوینده و مخاطب را جبران کند و

مفاهیم مورد نظر گوینده را برای مخاطب قابل فهم نماید. تنوع دید و تعدد تصاویری که از یک پدیده یا مفهوم ارائه می‌شود، این امکان را برای خواننده یا شنونده فراهم می‌آورد که در حالات و شرایط گوناگون آن مفهوم یا پدیده را تصور و احساس کند و درکی جامع از آن حاصل نماید. (همان، ۱۳۸۸: ۱۷۹) در این مجال به چند نمونه از تصویر سازی های ابن نباته پرداخته خواهد شد.

فعلیکم ايتها الناس بسبيل الموت في حياه، و الهلاك في نجاه، فاقصدوا قصده، و لا تخيموا عن منهل ان وردتموه لم تظموا بعده، و استبشروا بصدق وعد من لا يخلفكم وعده، و تنجروا بالجهاد في سبيله جزيل ما عنده ... (ابن نباته، ۱۴۳۳: ۳۰۵):

بر شما باد ای مردم به راهی که مرگ در آن حیات و زندگی است و مردن در آن زندگی و نجات است. پس آن را واقعاً قصد کنید، و ضعیف نشوید از وارد شدن در آبشخور آن که اگر وارد شدید بعد از آن تشنه خواهید شد. و خوشحال باشید به راستی وعده کسی که وعده اش برای شما دروغ نمی باشد. و وفا کنید به جهاد در راه او برای دستیابی به نعمت فراوان نزد خداوند ...

عبارات فوق، از تصاویر متعددی تشکیل شده است که در تشویق مخاطب تاثیر فراوانی دارد. این تصاویر و تعبیر منسجم، هم‌آهنگ و دقیق، حقیقت و ماهیت جهاد را برای مخاطب ترسیم می‌نماید. تصاویر «حیاه» و «نجات» و «تنجروا بالجهاد» تصویرهای موجز و پرباری هستند که یک مفهوم را می‌رسانند. و آن برتری جهاد بر زندگی ذلت بار است. جهاد عین حیات و عین جاودانگی است. به این ترتیب ابن نباته تصاویر متعددی را برای جهاد به کار گرفته است تا حقیقت جهاد را برای مخاطب روشن کند. چرا که انسان اگر لذت و التذاذ جهاد در راه خدا را به خوبی درک کند، تمامی روش و منش او در زندگی دگرگون خواهد شد و سعی خواهد کرد در برابر ظلم دست به جهاد و پیکار بزند و نعمت های سرای بقا را برای خودش تدارک ببیند.

ادبیات ابن نباته در تصویر سازی ملال آور نیست. بلکه به طور کامل در خدمت آموزه های دین و انسانیت و اخلاق است. چنان که این تصویر سازی هنرمندانه و عالمانه در بخش های دیگر از گفتار و کلام ابن نباته نیز دیده می‌شود به عنوان نمونه: «الآ و ان الجهاد كنز و فر الله منه أقسامكم، و حرز طهر به أجسامكم و عز أظهر الله به اسلامكم ...» (ابن نباته، ۱۴۳۳: ۳۰۰) ابن نباته در تحریض مردم به جهاد در گفتار فوق از تصاویر دلنشینی بهره برده است و جهاد را به «کنز» و «حرز» و «عز» تشبیه نموده است. و سعی وی بر

آن بوده است که جهاد را با ابزار ادبیات و هنر به مخاطب منتقل نماید و در او تاثیر گذاری داشته باشد. ابن نباته با این تصویر سازی زیبا، ضرورت جهاد را در ذهن و جان مخاطب تبیین نموده است. با این حال ابن ابی الحدید در مقایسه بیانات علی (ع) با خطبه جهاد ابن نباته این چنین تصریح نموده است: « هر کس این دو خطبه را به چشم انصاف بنگرد، خطبه ابن نباته را نسبت به خطبه امام (ع) چون شمشیر چوبین در برابر شمشیر فولادین می بیند. (ابن ابی الحدید، ۱۴۱۵: ۸/۱) بنابراین امام علی (ع) شخصیتی بی نظیری است که از نظر ادبیات و هنر بلاغت و سخن وری همتا ندارد.

۳. نتیجه گیری

پس از تجزیه و تحلیل تأثیر سبک ادبی خطب نهج البلاغه بر رسائل و خطب صابی و ابن نباته نتایج و رهیافت های ذیل حاصل شد:

- ۱- صابی و ابن نباته با معیار سبک شناسی تصویر سازی برای انتقال معنا، مفاهیم ذهنی را در قالب امور حسی به تصویر کشیدند.
- ۲- صابی و ابن نباته در نظم بیانی متن از تکرار حرف نفی «لا» و هم چنین اطناب غیر مخل که جهت تأکید در نهج البلاغه به طور چشمگیری قابل مشاهده است، بهره برده اند. به عنوان نمونه تکرار حرف «ل» در مورد تقوی در خطب ابن نباته، نشان دهنده توجه خاص گوینده به مفهوم تقوی است.
- ۳- در سطح آهنگ و ریتم کلام یکی از روش های انتقال معنی در نهج البلاغه استفاده از حروفی است که آهنگ خاصی به جمله می دهند. ابن نباته از حرف «دال» و «ت» که از حروف نطعی بوده، در تشویق به جهاد به پیروی از سبک ادبی نهج البلاغه بهره برده است. صابی هم در رسائل خود از تکرار حرف «ت» در مورد صفات خداوند استفاده نمود که به نوعی استفاده از ویژگی معنایی این حرف برای قاطعیت کلام است.
- ۴- ابن نباته با تعدد تصاویری که از مفهوم جهاد ارائه نمود این امکان را برای مخاطب فراهم آورد که مفهوم جهاد را تصور و احساس کند و درک جامعی از آن کسب نماید. تصاویر «حیاه» و «نجات» تصویرهای موجز و پرباری هستند که حقیقت جهاد را برای مخاطب روشن می کند.

۵- ابن نباته در خطبش با تأثیر از خطب نهج البلاغه از حروف مدّ که بر امتداد زمان و امتداد تلفظ و صوت دلالت می‌کند، استفاده نموده است تا این که بتواند، امتداد زمانی جهاد را بیان نماید، به این صورت که همیشه و در هر زمان، اگر مردم جهاد را ترک کنند، دچار ذلت و خواری می‌گردند.

۶- صابی با استفاده از شیوه بیانی «واج آرایی» نهج البلاغه با بسامد حرف «ع» در رسائلش موسیقی کلام را زیبا و دلنشین ساخته است و با استفاده از شیوه بیانی «پی آوری» برای بیان معتقدات اساسی توحید با پی آوردن فعل‌های «لا یزول، لا یحول، لا یظلم و لا یجور» کلامش را زیبا و دلپذیر نموده است.

کتاب‌نامه

- الف) کتاب‌ها
- نهج البلاغه (۱۳۸۰). مترجم محمد دشتی، قم: اوج علم.
- ابن ابی الحدید، ابو حامد عبدالحمید. (۱۴۱۵). شرح نهج البلاغه، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول
- ابن اثیر، ضیاء الدین. (۱۹۶۲). المثل السائر، به تحقیق احمد الحوفی و بدوی طبانه، مصر: مکتبه نهضته.
- ابن خلکان، ابو العباس احمد بن محمد. (۱۹۷۲). وفيات الاعیان و انباء انباء الزمان، تحقیق احسان عباس، بیروت: دارصادر.
- ابن منظور، جمال الدین ابن مکرم. (بی تا). لسان العرب، به تصحیح امین محمد عبدالوهاب، محمد الصادق العبیدی، بیروت: دار احیا التراث العربی.
- ابن نباته، عبدالرحیم ابن محمد. (۱۴۳۳). دیوان خطب ابن نباته، به تحقیق یاسر المقداد، کویت: الوعي الاسلامی.
- امینی، محمدهادی. (۱۳۹۲). تجلی نهج البلاغه بر ادبیات عرب، مترجمان، سید مهدی نوری کیدقانی، سید مرتضی حسینی، قم: بنیاد نهج البلاغه.
- انوشه، حسن. (۱۳۷۵). دانشنامه ادبی فارسی، تهران: دانشنامه.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۴۹). سبک شناسی نثر، تهران، پرستو و امیرکبیر، چاپ سوم.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۴۲). فرهنگ دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد. (۱۴۳۰). المفردات فی غریب القرآن، به تحقیق ابراهیم شمس الدین، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- سلیمان، زهیر. (۱۹۹۱). قواعد التجوید فی تلاوه القرآن، بیروت: دار صادر.

- شایب ، احمد. (۱۹۷۶). *الاسلوب (دراسة بلاغیه لاصول الاسالیب الادبیه)* قاهره : بی نا .
- شمیسا ، سیروس. (۱۳۷۲). *کلیات سبک شناسی* ، تهران : فردوسی .
- فاخوری ، حنا. (۱۳۶۳). *تاریخ ادبیات زبان عربی* ، مترجم عبدالحمید آیتی ، تهران : توس
- فتوحی ، محمود. (۱۳۹۰). *سبک شناسی، نظریه ها، رویکردها و روش ها*، تهران: سخن.
- قائمی ، مرتضی. (۱۳۸۸). *سیری در زیبایی های نهج البلاغه* ، قم : ذوی القربی .
- کواز، محمد کریم. (۱۳۸۶). *الاسلوب فی الاعجاز البلاغی للقرآن الکریم*، مترجم سید حسین سیدی، تهران: سخن.
- مبارک، زکی (۱۳۵۲)؛ *النثر الفنی فی القرن الرابع* . قاهره : دار الکتب المصریه .
- مصطفی، ابراهیم و همکاران. (۱۳۸۵). *المعجم الوسیط*، تهران : مرتضوی
- الملائکه، نازک. (۲۰۰۷). *قضايا الشعر المعاصر*، بیروت: دارالعلم للملایین.
- نوروزی کرمانشاهی. محمد جواد. (۱۳۸۸). *نهج البلاغه* ، قم : نشر ا .
- یعقوب، امیل بدیع. (۱۳۸۶). *موسوعه الصرف و النحو و الاعراب*، تهران : استقلال .
- ب) مقالات و پایان نامه
- خالقیان ، ام البنین. (۱۳۸۷). *نقد و بررسی جلوه های ادبی و موسیقایی قرآن* ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، تهران : دانشگاه الزهرا .
- عچرش، خیریه، بازیار، کوب. (۱۳۹۰). *تأثیرپذیری ناصیف یازجی از قرآن و حکمت های روایی*، *مجله لسان مبین*، دوره ۲، ش ۴. صص ۱۲۴-۱۰۳
- کیانی، حسین، زارع، منیژه. (۱۳۹۴). *سبک شناسی ادبی نکوهش های امام علی (ع) در نهج البلاغه*، *پژوهشنامه علوی*، سال ششم، ش ۱. صص ۱۲۴-۱۲۱
- نظری، علی، خسروی، کبری، ابراهیمی، زهرا. (۱۳۹۳). *سبک شناسی خطبه اشباح نهج البلاغه*، *پژوهشنامه نهج البلاغه*، سال دوم، ش ۸ صص ۴۵-۲۱